

رسم و آیین نوروزی در اشکاشم بدخشان

نویسنده: هزاره بیک "سوداسپندکوهی"

تهیه و ترتیب: پنجشنبه "صادقی"

۲۸ حوت ۱۳۹۱



بنام خداوند توانا

نوروزتان قمیسته و پیروز باد



نوروز یک عید پر طنطنه و مملو از شادی و خرسندی ساکنین این سرزمین به شمار میرود دیرینه ترین فرهنگ جمشیدی و آریائی میباشد که نسل اندر نسل تا به امروز آنرا گرامی داشته و میدارند.

گرچه دوستان اهل قلم در مورد عنعنه نوروزی در اشکاشم معلومات را ارائه کرده اند و در مورد نکات مهم که جز فرهنگ اصیل این مرز و بوم را تشکیل میدهد چیزی نگفته اند. بناً بنده تلاش نمودم رسم را که سالها در میان مردم رواج داشته و اکثراً به باد فراموشی فنا گردیده بیان نمایم.

در بیستم ماه حوت صدای آمد آمد نوروز در منطقه طنین انداز میشود، زن ها مقدار ضرورت گندم را در سبد انداخته به آب تر میکنند، کد بانوی هر روز مقدار آرد را شیره ساخته بالای گندم میریزد تا سبز شود که یک هفته طول سبزه دو سانتی متر شده از سبد آنرا کنده توته میکنند و دیگ را خشک به دیکدان انداخته آتش می افروزند و گندم را در ان لوت میدهند تا خشک شود و بعد در آفتاب میگذارند بعداً آنرا در آسیاب آرد میکنند بهمین طریق سمنک درست میشود. به یک تن از پسر بچه ها از طرف فامیل هدایت

داده میشود تا کلک نوروزی را بیاورد. که در سابق به بسیار آسانی و وافر پیدامیشد مگر فعلاً بچه ها از دشت گنج آباد، سر جنگل، وارکد و گاه گاه به قریه یخدر و که در شمال اشکاشم موقعیت دارند سفر میکنند و چند قبضه چغ یا کلک را آورده در جای محفوظ میگذارند.

از این که پیشه مردم عموماً دهقانی بوده و میباشد، در کارهای خیر از قدیم الایام تقویم شمسی و قمری دنبال میکردند چون تقویم و جود نداشت دانشمندان مطابق کتاب نجوم به جهت سال هجرت حرف "ا- هجده بود" مقرر نموده اند و به جهت دوازده ماه دوازده حرف "زبیج هو ابده زاج" مقرر شده که از محرم سر شده تا ذالحجه که دوازده ماه قمری میباشد از حساب سال هجرت هشت هشت طرح میکرده اند آنچه باقی ماند حرف او را با اعداد حرف ماه و سال می افزودند و بعد از آن پنج دیگر انرا با آن می افزودند و هفت هفت طرح میکردند البته به حساب ابجد و آنچه باقی می ماند از شنبه که اول هفته است شمار نموده بر آن هر دو عدد اضافه میکردند و هر کجا عدد آخر میشد غره یا اول ماه آنروز بوده اگر یکی ماند یکشنبه دو ماند دوشنبه همین قسم تا روز شنبه بدین طریق تقویم را بدست آوردند. میدانستند که آفتاب در کدام روز به خانه حمل میرسد برای مردم عام دانشمندان نشانه های را در کوهها، تپه ها گذاشته اند که قرار گرفتن آفتاب در نشانگاه یعنی رسیدن به خانه حمل را اثبات میکند بنده طور مختصر چند نقطه را که نشان گاه رسیدن آفتاب به خانه حمل است به معرفی میگردم.

1. در قریه زرگران شخص عابد، پرهیزگار و منجم عصر خود بنام ملا عیوض نشانی را درست نموده که در سمت غربی قریه کندکاد دو قلات درست نموده و در مرکز زرگران داخل حولی در دیوار غربی کلکینچه یا به اصطلاح محیط طاق را درست کرده از آنجا تماشا میکردند تا آفتاب در کدام روز در میان قلاتها قرار میگرفت همان روز نوروز بوده.
2. در قریه باشند زیبا منظر شخص دانشمند و منجم بنام جلال الدین که نویسنده توانا بوده افتخار میکنم که از این جد بزرگوارم برای من مخزن علمی بیادگار مانده نشانی را در روزن خانه ساخته که رسیدن آفتاب به خانه حمل را نشان میدهد.
3. در قریه دهپایان یخدر و همچنان نشانی را در کوه ساخته اند که نمایان گر رسیدن آفتاب به برج حمل میباشد و تا فعلاً دقیقاً از آن استفاده می نمایند.
4. در قریه ولیج از خانه مرحوم سیدکامل خان و فعلاً پسرشان سید جمیل در کوه نشانی که شکل زین اسپ را دارد استفاده می نمایند.

5. همچنان در قریه های فطور و یمیت ولسوالی و اخان که آن نشانی های را که به دانشمند بزرگ ناصر خسرو نسبت میدهند ساخته شده و دقیقاً مورد استفاده ساکنین قرار دارد.

بعد از آن که آفتاب به برج حمل قرار گرفت ملا صاحب بروی کتاب نجوم برای مردم ساعت میدیدند و سعد و نص را تفکیک کرده هدایت میدادند که چه وقت جاروب هارا به برند پس از خانه پاکی چه وقت داخل خانه شوند و آماده گی برای قلبه در کدام وقت، عموماً در ساعت های که زهره، مشتری، شمس و قمر باشند نیک دانسته هدایت میدهند بعد برگشت از نزد ملا دهقان یا کلانتر فامیل کلک های قبلاً آورده شده را با غنچه های خورد بید بسته میکنند و باید جاروب ها جفت باشند با دو خاده چوب که در سر آنها جاروب بسته میشود و بتوسط شان قسمت چار ترک خانه روفته و پاک میشود.

و رسم چنان است که دو دانه فطیر خورد و کلان پخته میشود با انگشت وانه آنرا قال میزنند و پختن شاشپ آغاز میابد. طوریکه پسر بچه ها در یک کجاوه یخ شفاف و پاک را میاورند زنها مقدار یک سیر ارد گندم را به اندازه پنج پاو ارد سمنک خمیر میکنند و آتش را قسمی فروزان میکنند که بسیار تیز نباشد، توته های یخ را یکی بعد دیگر در دیگ می اندازند خلاصه توسط یخ پخته میشود. کد بانو انگشت خود را به دیگ میزند اگر نسوخت پخته و اگر سوخت خام است بعداً آنرا در کوزه های سفالین کشیده داخل دیکدان در آتش گور میکنند تا صبح چنان شیرین میشود که لذت عسل را به خود میگیرد. و هنگام صرف نمودن بالای آن روغن زرد و یا بعضاً شیر می ریزند.

فطیر های که در بالا ذکر شد در قسمت باز پران خانه که او را بزبان اشکاشمی مندک میگویند گذاشته میشود و نظر به هدایت ملا وقت نماز صبح یا مرغ بانک توسط دهقان با همرا یکدانه دوشک یا گلیم برداشته شده بیرون خانه می اندازد و فطیر هارا با جاروب ها به خانه می آورد همرا با چای صبح نوش جان میکنند.

روز نوروز خانه پاکی آغاز میشود تمام لباس هارا از خانه بیرون میکنند و زنان قماچ سمنک را در دیکدان می اندازند و دیک برنج آماده میشود.

دهقان در نوس چند قبضه جو و مشنگ را در کرده به پنج ستون خانه بسته میکند در همین وقت آنها را از ستون ها باز کرده نرم میکند و دانه هایشان را داخل خلته کوچک پر کرده به میخ ستون می اندازند. خانه روبی شروع و دیگران بیرون میبرایند

یک تن بالای بام برآمده بروزن می آید از داخل خانه یک جفت کلچه را در میان دوجاروب انداخته به روزن بالا میکنند شخص مذکور آنرا گرفته اطراف روزن را پاک نموده جاروب هارا در پشت دریچه روزن میگذارد تا سال آینده و کلچه ها را به اطفال تقسیم میکند پسر بچه ها به تخم جنگی و دیگر سر گرمی ها مشغول میشوند دختران در درخت ها ولچک یا گاز می اندازند الی ساعت تعیین شده مردها به آوردن شاگون چوب دست به کار میشوند از همان سمت انتخاب شده شاخهای درخت بید را که ضخامت آن به اندازه نهال باشد قطع و بایک دسته غنچه گلخار به حولی می آورند.

غنچه های گل خار را در تیر چوبی بسته می کنند و شاگون چوب را در چند قسمت ریشمه درست کرده هر نفر یک جفت شاگون چوب را گرفته آماده داخل شدن به خانه میشوند.

در قدم نخست یک مرکب گلیم بار کرده داخل خانه میکنند شاگون بهار مبارک میگویند و از داخل یک تن از عورات آرد را به شانه ها میزنند بروی شما مبارک میگوید. بعد نشستن دعای نوروزی را میخوانند زنان دیوار خانه را با دستان و شاگون چوب مخصوص که رمز نور خورشید است آرد می زنند و همان علف جو و مشنگ را برای مرکب می اندازند و شاگون چوب ها را در چت دکان پائین در میان دستک ها میزنند و غمچه های گلخار را هم چنان که او را تا سال بعد در انجا نگاه میکنند در قدم نخست قماچ سمنک که رمز شیرینی و شادکامی میباشد صرف بعد طعام خوردن خانه گشتک شروع میشود. به یکدیگر سال نو را مبارکباد میگویند.

اگر سال بارنده گی نباشد در ختم همان روز دهقان آماده برآوردن قلبه میگردد جفت گاورا به خانه آورده برایشان قرص جوین ریزه کرده و پنج ستون خانه و بیرون دروازه را همرا با جفت ها آرد زده بیرون میشوند.

زنها پارو یا سرگین جفت قلبه را گرفته با مقدار خاک میکوبند و از حلوک درست میکنند، در آن مشت جو را میریزند و بالای کرسین خانه میگزارند تا سبز شود، هر قدر سبزه آن بلند شود فال نیک میدانند گویا حاصلات بهتر خواهد بود و یک رمز دیگر چسپیدن چغ و یا کلک در میان ولچ و دستک های خانه است اگر در قسمت بالا از دیگدان باشد گویا روغن زیاد میشود و اگر پائین چسپیده باشد گویا گندم و دیگر حاصلات دهقانی خوب خواهد بود.

چنانچه در بالا ذکر گردیده دهقان وقت بیرون شدن از خانه همان دانه هارا که در خلته انداخته بود با خود بر میدارد، در هنگام قلبه کردن یک مقدار انرا به زمین می پاشد و یک مقدار انرا گرفته چنان با مهارت حرکت کرده بالای بام می براید به روزن میرسد.

و خلته یی تخم از روزن داخل خانه می اندازد. از داخل خانه کلچه را که قبلاً ساخته شده یک تن از زنان بالا می اندازد البته همزمان با انداختن خلته تخم دهقان کفچه را نظر میکند که چطور افتاده است در آن رمزی نهفته است که اگر برو افتد سال گرسنگی دارد و اگر به پشت افتد آن سال همه نعمت افزون میگردد. کفچه را گرفت در پشت دریچه روزن میگذارد و خودش از بام پائین شده بخانه میآید و خلته تخم را برداشته به میخ خانه میگذارد و دعای نوروزی و دهقانی را خوانده و از طرف فامیل در یک چینی شیر روغن برایش داده می شود و او را نوش جان کرده بسر قلبه برمیکردد و زنان همان دسته گلخار سال گذشته را آتش افروخته و طعام بنام کاجی درست میکنند و یکتن از زنان کهن سال پوستین وطنی را بروی چپ بسر میزند و کاسه کاجی را نزد دهقانها بر سر قلبه می آورد بعد از گذاشتن کاسه به زمین و آن تقاضا بعمل میاورند تا در شدگار (شدیار) غلط بزند که یک شور و غلغله را به همراه دارد البته چندین فامیل در یک زمین جمع می شوند و این روز اول قلبه را بنام تخم دزدکی یاد میکنند و قلبه از همین روز آغاز میآید. و سلام